



## میراث حرم رضوی در یک قرن فعالیت عکاسی در مشهد مقدس

کیارنگ علایی<sup>۱</sup>

عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری

### خلاصه

در این مقاله، گرایش عکاسان زیارتی در بازه زمانی قرن گذشته با رویکردی بسترگرایانه دستمایه تحقیق قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که عکاسی زیارتی به عنوان شغلی موروثی، مسیری تجربی را سپری کرده و به عنوان فعالیت جدی در حوزه عکاسی مستندنگاری به کارکرد بایگانی و اسنادی مشغول بوده است. در انتخاب و گزینش عکاسان مورد بررسی در این مقاله، فعالیت مستمر و تاثیرگذاری به عنوان دو مولفه مهم در نظر گرفته شده است. این مقاله رویکردی بسترگرایانه را مد نظر قرار می دهد. این پژوهش بر آن است تا با نگاهی جامع به عکاسی زیارتی و احوالات عکاسی خراسان منبعی قابل اتکا برای دانشجویان و علاقه مندان به حوزه عکاسی باشد.

کلمات کلیدی: زیارت، عکاسی خراسان، عکاسخانه، حرم رضوی، ابراهیم ذهبی

<sup>۱</sup> نویسنده مسوول:

kiarang.alaei۱۹۷۶@gmail.com



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## مقدمه

نوشتن درباره عکاسی مشهد همان قدر دشوار است که یافتن منابع اسنادی متعدد از سوابق و فعالیت های مربوط به عکاسی در این شهر. کمبود منابع مالوف و پژوهش های مستدل در این زمینه، ما را با چند گفتگو، چند یادداشت و نوشتار مختصر و پراکنده وبلاگی مواجه می کند که اکثرا تکرار مکررات است و به صور مختلف در دیگر منابع اینترنتی نیز همان ها بی کم و کاست آمده است. نکته دیگر آن که بسیاری از فعالیت های عکاسی در مشهد به دلیل عدم ثبت و ضبط به موقع، وجه اسنادی خود را متزلزل دیده و نگارنده نیز با احتیاط به ذکر آن ها خواهد پرداخت. این نوشتار بر آن است تا نگاهی جامع داشته باشد بر جریان های تاثیر گذار عکاسی در مشهد بویژه با تمرکز بر دوران پس از انقلاب اسلامی، طبیعتا با توجه به سبقه گسترده جریان عکاسی زیارتی و خاستگاه آن به قبل از انقلاب، در بررسی این ژانر نگارنده استثنا تا به تاریخ قبل از انقلاب نیز اشاره می کند. با توجه به تعدد نام ها، جریان ها و اتفاقات عکاسی مشهد در چهار دهه اخیر تلاش نگارنده بر آن است که با رویه ای گاه شناسانه به این موضوع ورود پیدا کند و پیشاپیش از این که از این بحر طویل ممکن است سهوا نامی مغفول مانده باشد، پوزش می طلبد.

مشهد در این سال ها تاریخ پر فراز و نشیبی را در عکاسی از سر گذرانده، جدا از جذابیت های ورود زود هنگام داگروتیپ به مشهد در همان دهه های آغازین اختراع عکاسی و حتی فارغ از عکس های مستندنگار معروف لوئیجی پشه از مقبره نادرشاه، مشهد همواره شهری مورد توجه و اقبال بوده است. شهری پر جنب و جوش که سالانه چند برابر شهروندان خود میزبان زائران و مجاوران است و این جمعیت متکثر که اغلب آنان اهالی مشهد نیستند، موجی از انرژی و جذابیت را در خیابان های مشهد ایجاد کرده است، اگرچه عکاسی خیابانی در آن با دشواری ها و محدودیت هایی بیشتر از همه شهرهای دیگر ایران روبرو است، اما همواره این شهر پویایی فراوانی در گسترش هنر داشته است.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

## جامعه پژوهش

تمامی افرادی که در قرن گذشته در خراسان بزرگ با فعالیت مستمر دست به ابداع زده اند یا حوزه های نظری عکاسی را گسترش داده اند.

## سرآغاز عکاسی زیارتی در خراسان

سنت عکاسی زیارتی با خیابان و داستان پیوند خورده است. جوانانی کم سن و سال با دستمزد پایین در مجاورت عکاسخانه ها عکس هایی را روی یک تخته در دست دارند و با صدای بلند زائران را فرا می خوانند. این جوانان در شیوه آموزش خانه شاگردی عموما بعدا به دستیاری عکاس و یا حتی تاسیس یک عکاسخانه مبادرت می ورزند. رسم بر آن بود که عکاسخانه ها در بازارهایی نزدیک حرم بنا شوند که پشت بام های باز (بالاخانه) به سمت حرم داشته باشد تا عکاسان با هدایت مشتری به پشت بام و در نور طبیعی روز عکسی با پسزمینه حرم مطهر ثبت کنند. این عکس ها غالبا به عنوان بخشی از آداب زیارت و تهیه آن در مشهد به عنوان یک سوغاتی قلمداد می شد. اما مکان به عنوان اصلی ترین محمل عکاسی زیارتی - به عنوان گذار از ساحتی به ساحت دیگر - در مشهد و به دلیل وجود بارگاه رضوی دستمایه ایجاد و توسعه عکاسی زیارتی شد. تاسیس عکاسخانه های مهمی چون امید توسط رضا همتیان، نصرت توسط محمد نصرت و آیریا توسط علی آیریا نخستین بارقه های توسعه جدی این عکاسی را فراهم کرد. این ژانر حدود هشتاد سال است که در مشهد به صورت یک حرفه، کار خود را انجام می دهد. یکی از جدی ترین آغازگران این ژانر مرحوم سیاح بود. ابراهیم ذهبی معروف به سیاح - او مغازه ای برای کار حرفه ای عکاسی نداشت و در پاسخ به این سوال که مغازه ات کجاست؟ می گفت: سیاح ام و جای ثابتی ندارم - اولین عکسش را در پانزده سالگی ثبت می کند؛ از دایی بزرگش - محمد حسین عالم زاده - که در نور آفتاب خوابیده بوده، دایی محمد حسین بعد



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

که عکس چاپ شده را می بیند پی به استعداد ابراهیم می برد و به او عکاسی یاد می دهد. ابراهیم ذهبی در سال ۱۳۵۳ مغازه ای در فلکه حضرت مشهد و در سال ۱۳۲۸ فتو رکلام را با مرحوم محسن رزاقی تاسیس می کند. او که عکاس و خبرنگار روزنامه خراسان (پر مخاطب ترین روزنامه استان) بود تاثیر شگرفی بر نسل بعد از خود نیز گذاشت، به صورتی که خیلی از عکاسانی که در پارک ها و اماکن تاریخی مشهد مشغول عکاسی اند، از شاگردان او محسوب می شوند. در ژانر عکاسی زیارتی که کماکان در محدوده حرم امام رضا (ع) با استقبال خوبی روبرو است، چند عنصر اهمیت زیبایی شناسانه دارند: مهم ترین آن ها نقش پسزمینه در این عکس ها و روند رو به تغییری است که در چند دهه اخیر در مورد کارکرد پسزمینه ها صورت گرفته است. استفاده از پسزمینه از آن جا اهمیت دارد که از یک طرف الهام از سنت نقاشی را یادآور می شود و ارجاعی است به میانه قرن نوزدهم در پاریس که نقاشی های اماکن به عنوان پسزمینه در عکاسخانه ها استفاده می شد. از سوی دیگر امکان جداسازی موضوع انسانی را از اطراف خود مهیا می سازد. این پرده ها نخستین بار در عکسی از ابوالقاسم نوری در سال ۱۳۲۳ ه.ق دیده می شود که این قطعا قدیمی ترین پرده عکاسی حرم بارگاهی است. پرده های منقش اما از عشق آباد به مشهد وارد شدند و در آن مقطع مزین به منظره های روسی بودند. در عکس های ابراهیم ذهبی (سیاح) به کرات از این پرده ها استفاده شده است، نقاشان این پرده ها افرادی بودند که علم ها و پرچم های عاشورا را نقاشی می کردند، نقاشی های روی این پرده ها قلم گیری کافی نشده و غلظت رنگها بسیار بالا است، دلیل این امر استفاده از قلم موهای بزرگ است. در حال حاضر به جز چند نفر معدود که در مشهد، این پرده ها را هنوز در انباری عکاسخانه های خود در اختیار دارند، بقیه آلتیه ها از بنرهای چاپی دیجیتال برای قرار دادن در پسزمینه زائران استفاده می کنند و یا به صورت مونتاژ فتوشاپی اقدام به قراردادن عکسی قدیمی از ضریح و یا صحن های متبرک در پسزمینه عکس می کنند و اساسا انتخاب پرده را توسط مشتری - که خصیصه ای جدانشدنی از عکاسی زیارتی بود - کنار می زند، چرا که انتخاب پرده - و روایت مستور در آن توسط مشتری - در حقیقت انتخاب مقطع تاریخی و داستانی بود که زائر دوست داشت خود را بخشی از آن ببیند.

دومین عنصر لباس و ابزارآلات صحنه است، عموما در این عکس ها از لباس درویش و یا لباس عربی استفاده شده است، گاهی حتی با کشکول و تبرزین. همچنین عنصر غالب در اغلب عکس ها یک مجسمه پنجاه، شصت سانتی متری آهو است که عموما با کیفیت نازلی از فایبرگلاس تولید شده و زائر با نشستن کنار آن و دست انداختن بر گردن آهو عکسی به یادگار می گیرد. این نوع استفاده از مجسمه ها و اشیا برای تجسم بخشیدن به ذهنیت و روایت تاریخی نهفته در این ابژه است.





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سومین عنصر استفاده از نور است، در ابتدا از نور طبیعی و سپس از فلش های مصنوعی سیار استفاده شد. اولین عکس های زیارتی سیاه و سفید بودند اما دو عکاس خلاق در مشهد به نام های زنده یاد «همتیان» و «تفقدی» با بداعت روی عکس های سیاه و سفید رنگ آمیزی انجام می دادند. سال ها بعد و در دهه ۴۰ از تکنیک کلاژ و دبل اکسپوز نیز استفاده شد، تکنیک استفاده شده در این عکس ها نوآورانه و بدوی بود؛ ابتدا روی دهانه لنز با یک مقوا ماسکی را درست می کردند و از داخل آن زائر را مقابل پرده ای تک رنگ عکاسی می کردند، سپس بر خلاف ماسک قبلی، ماسک دیگری ساخته و روی لنز می گذاشتند و بقیه عکس را از یک کارت پستال عکس حرم دوباره عکاسی می کردند، به این طریق دبل اکسپوزی اتفاق می افتاد که زائر خودش را چسبیده و متصل شده به تصویری کارت پستالی و آرمانی از حرم می دید.

بداعت های دیگری نیز وجود داشت که الزاما همه گی موفق نبودند، مثل استفاده از سه بار اکسپوز روی فیلم ۱۲۰ و ایجاد سه تصویر نامنظم در ابعاد و مقیاس مختلف از زائر. در سال ۱۳۱۹ رسول عربلین که پدرش نیز نقاشی کاشی کاری های صحن نو و صحن سقاخانه حرم مطهر را قلم زده است، کار عکاسی زیارتی را در مشهد رسماً آغاز می کند. علاقه وافر پسر رسول به نام «حمید عربلین» باعث می شود او درس را رها کرده و در کنار پدر و با یک دوربین فوری شروع به عکاسی زیارتی کند. حاصل ۴۰ سال استمرار حمید عربلین در این ژانر، صدها عکس زیارتی است که در قالب های مختلف و با دوربین های مختلف تهیه شده است. او که از سال ۱۳۳۶ وارد کار عکاسی زیارتی می شود، بعدها در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ده ها عکس متفاوت از انقلاب در خیابان های مشهد ثبت می کند و یکی از پایه های عکاسی مستند در مشهد محسوب می شود.

با شروع تغییرات بنیادین معماری شهری در زمان شکل گیری فلکه حضرت عکاس خانه های متعددی دور این فلکه و دیوار به دیوار حرم تاسیس شدند که در این میان باید به نصرت ۱۳۰۳، امید ۱۳۰۴، ادیسون ۱۳۰۷، پیما ۱۳۱۲، آیریا ۱۳۱۳، مانی ۱۳۱۸ و فتو دانش ۱۳۴۲ اشاره کرد، قبل از آن عکاس خانه های مهمی چون همایون، رحمت اله، سیاح، اطمینان، شهیدی پور، محمدی، دارالسلام، فردوسی، سعادت، کاروان و شرق در دهه ۲۰ فعال بودند، همچنین مهم ترین عکاس خانه های پرتره در دهه ۳۰ عبارت بودند از: مریخ، هنر، پر، قدسی، روپال، رکلام، اونیورسال، رکس، کتایون، هالیوود، کلمبیا، کاخ، فلاش، نخستین، آپادانا و روپال.

عکاسی زیارتی پس از این با گسترش عکاسی مکان نگارانه در دهه های ۵۰ و ۶۰ توسعه پیدا کرد و کیفیت های تکنیکی قابل توجهی نیز به آن افزوده شد. تلاش های مکرر و موفق اصغر خوشرو، محمد رضا لطفی، امیر حسین صفرلی، محمد ناصری مهر



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

و... در این دهه ها منجر به ثبت مناظری از حرم از بدیع ترین زوایا و زمان ها شد. محمد رضا لطفی عکس هایی از حرم مطهر رضوی در ساعت و شرایطی تولید کرده است که امکان تکرار تا چندین دهه بعد، از جهت اتفاقات نجومی مطلقا ندارد، یا با دشواری های تمام از میادین منتهی به حرم، عکس هایی را ثبت کرده که انعکاس حرم در آب موجود در میادین به شکل متفاوتی ثبت شود. محمد رضا لطفی علاوه بر ریاست هیات مدیره انجمن عکاسان خراسان رضوی یکی از فعال ترین عکاسان اماکن مذهبی است، او بیش از ۳۰ هزار عکس از اماکن مذهبی جهان دارد و بزرگترین مجموعه دار حرم امام رضا(ع) محسوب می شود.

مهدی حسامی (کارشناس عکس مرکز اسناد آستان قدس رضوی) درباره تاریخ ورود عکاسی به مشهد می گوید: «تاریخ عکاسی در شهر مشهد با توجه به اهمیت و جایگاه آن در تاریخ سیاسی دوره معاصر ایران بسیار مبهم و پنهان است به طوری که فاصله بین اولین عکس گرفته شده در مشهد به سال ۱۲۷۶ق. با اولین عکسی که به طور رسمی در شهر مشهد (۱۳۱۹ق.) میرزا فرج الله عباداف گرفته شده است ۴۳ سال، و با اولین عکسی که به طور رسمی در ایران گرفته شده حدود ۶۱ سال است و پیدا کردن علل و عوامل این فاصله نیاز به یک بررسی علمی و تاریخی دارد. خوشبختانه قبل از تهیه عکس از شهر مشهد نقاشی های از شهر مشهد تهیه شده است. از جمله این موارد به کلنل سی. ام. مک گرگور اشاره کرد که از مشهد در سال ۱۸۷۵م. تهیه کرده است.» او هم چنین دلیل عدم رشد عکاسی در مشهد را در این می داند: «خوف از ترکمانان در خراسان به حدی بوده که آرمینیوس وامبری نوشته است: «جسارت را به حدی رساندم که چهار منزل بین مزینان تا شاهرود را بدون بدرقه طی کردم، در صورتی که خود ایرانی ها کمتر جرأت می کنند این فاصله را بدون حمایت توپخانه طی کنند، زیرا از تاخت و تاز ترکمنها بسیار بیمناک می باشند.» همچنین ویکتور برار در حدود سال های ۱۸۶۲م خراسان را مورد تهاجم اقوام بادیه نشین صحرای ایران و ترکمانان جلگه های ماوراء خزر می داند، که دولت تنها مالک شهرهای بزرگ در پشت دیوارهای گلین و کنگره دار بوده، و در بین راه ها نیز امنیت وجود نداشته است. اولین عکاسی که به طور رسمی از طرف دربار برای پوشش قرار دادن اخبار جنگ وارد می شود به مدت ۱۸ ماه اسیر و گرفتار ترکمن ها می شود. بلاکویل در سال ۱۲۷۷ق به دنبال لشکر ایران عازم مرو شد. در رابطه به هزینه های عکاسی در ایران و به خصوص در خراسان و شهر مشهد بنا به فاصله نسبتاً زیاد از پایتخت و حمل و نقل شیشه های عکاسی و چاپ و ظهور هم بسیار بالا بوده است. به طور مثال و بر اساس یادداشت های تاریخچه عکاسی ایرج افشار، آنجا که از مالیات عکاسی در خراسان یاد می کند، به این نکته پی می بریم که عکاسی در خراسان سال ها پیش از آن



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

رواج داشته است: «مالیات عکاسی در خراسان در سال ۱۳۲۹ قمری در سال بیست تومان بوده است» حسامی معتقد است ورود عکاسی به آستان قدس به منظور ثبت وقایع، بازدیدها، تشریفات و هم چنین ضبط تغییر و تحولات اماکن متبرکه رضوی و معماری بوده است، از جمله عکس‌های «میر آقا عکاس باشی» اما نگاهی کنیم به تاریخ نگاری «محمد محمد زاده تیتکانلو» عکاس و مورخ مشهدی: «پس از فریر که در سال ۱۲۷۱ قمری از آفتاب خراسان چون غنیمتی برای ثبت و ظهور نخستین عکس‌های خراسان بزرگ، بهره برد، جیانوزی در سال ۱۲۷۸ قمری، نخستین خوش‌طالعی بود که از ضبط تصاویر شمس‌الشموس به شهرتی جهانی رسید و با عکس‌های گنبد منور و درخشان آرامگاه امام رضا(ع)، کاخ گلستان را تالو بخشید و شاه، نخستین بار به‌جای نگاره‌های آستانه، واقع و اصل آن را بر «کاغذ نمکی» زیارت کرد. شگفتی آن جوار قدسی، دلیلی برای به‌راه‌افتادن اردوی شاهی در سال ۱۲۸۳ قمری به خراسان بود. هم‌چنین اسباب عکس‌برداری آقارضای عکاس‌باشی به کاروان شاهی الصاق و مقرر گشت تا در مشهد از عمارات مقدسه و صحن‌های قدسی عکس بردارد و بدین‌سان، عکس‌هایی از حرم، توشه راه برگشت گردید و اما عشق، شاه و گدا نمی‌شناسد و بنده گریزپای را ناخواسته می‌طلبد؛ این چنین است که سفر دوم اردوی همایونی در ۱۳۰۰ قمری، به‌راه زیارت گسیل گشته و این‌بار منوچهرخان عکاس‌باشی از همراهان بود و درنهایت، تعدادی عکس عمومی از مشهد و حرم، به‌واسطه جعبه تاریک ضبط گردید. در اوایل نیمه دوم قرن نوزده میلادی به دلیل شرایط جغرافیایی و تاریخی مشهد و آرامگاه امام هشتم شیعیان(ع)، ورود مأموران سیاسی نظامی، مستشرقان، جهان‌گردان و مسافران خارجی به این شهر شدت یافت و چون اغلب همراه اسباب سفر دوربین عکس‌برداری داشتند، به‌مرور تا اوایل قرن بیستم میلادی، گنجینه‌هایی پنهان و گاه عیان، از عکس‌های شهر قدسی در مجموعه‌های خصوصی، عمومی و موزه‌های جهان شکل گرفت. برخی از آن عکس‌ها در سفرنامه‌ها به طریق گراور یا فتوگراور، در عالم انتشار یافت. برخی در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی شناخته‌شده، قرار گرفت و اما نیمی از آن گنجینه ارزشمند که به‌طور خاص مربوط به سیاحان ناشناخته است، هنوز کشف نگردیده است و برای کشف عکس‌های تاریخی این شهر قدسی که توسط سیاحان سرتاسر جهان ثبت و ضبط گردیده است و در آلبوم‌ها، مجموعه‌های خصوصی یا عمومی نگه‌داری می‌شوند، نیاز به اقدام جدی گروهی می‌باشد که از سوی دولت و یا سازمان‌هایی حمایت شود. در این‌جا به‌جاست تا از مهم‌ترین این سیاحان عکاس، با درنظرداشتن تقدم ورود به شهر، به ترتیب نام ببریم: جیانوزی، راس، هوتز، بیت، دوک، آلن، بویلان، سیمونف، دالمانی، ویوله، هیدن، الاسایکس، پرسی سایکس، هربرت سایکس، لیزا ولو، گرایف، لاکهارت، دونالدسون، بایرون و واتس. کهن‌ترین عکس آتلیه‌ای که در آخرین تحقیقات خود در مشهد



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

به دست آوردیم، مربوط به تصویر سه تن از فرماندهان قراسوران‌های (ژاندارم‌های بومی) خراسان می‌باشد که قبل از ۱۳۱۲ قمری، بر کاغذ حساس «روزچاپ» یک عکاس‌خانه نشسته است. در آمار دقیقی که «زین‌العابدین میرزای قاجار» از نفوس و مشاغل این ارض اقدس در ۱۲۹۵ق/۱۲۵۷ش. منتشر ساخته است، هیچ نشان و ردی از عکاس و عکاس‌خانه قلمی نشده و هم‌چنین تا سفر عبدالله قاجار به مشهد در ۱۳۱۰ قمری، تاکنون سند، عکس و خبری دال بر وجود عکاس و عکاس‌خانه مربوط به خود شهر کشف نگردیده است و با وجود عکس فرماندهان قراسوران، می‌توان تأسیس نخستین عکاس‌خانه در مشهد را بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ قمری فرض کرد. «سیمثونی» روسی تبار، حدود سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۴۲ قمری، یعنی تا پایان دوران پادشاهی قاجار در مشهد دارای عکاس‌خانه‌ای کامل بوده است. وی به اصول عکس‌برداری تسلط داشته و آن‌چنان که از عکس‌هایش پیداست جزو بهترین‌ها در دوران خود بوده است. مَهر عکاس به زبان روسی و پرده عکاس‌خانه به سبک اروپایی در پس‌زمینه عکس‌های باقی‌مانده از ایشان خودنمایی می‌کند.

تیتکانلو ادامه می‌دهد: «میرزا عبدالجبار عبّادُف» که فن عکاسی را در روسیه آموخته بود، سال ۱۳۱۹ قمری در کوچه سراب عکاس‌خانه داشت. (در کتاب تاریخ عکاسی و کتاب کریم‌زاده تبریزی درباره این عکاس ذکر شده است) و در همان دوران شخصی به نام «میرزا آقا» عکاس‌باشی آستان قدس رضوی بود که امور عکاسی حرم را به عهده داشت. (کریم‌زاده تبریزی در کتاب خود، این عکاس را با نام «میرآقا» یا «آقا»، به عنوان عکاس‌باشی آستان قدس رضوی در ۱۳۲۰ قمری ذکر نموده است) و آن‌چنان که برمی‌آید، وی باید اولین عکاس‌باشی آستانه باشد.

«میرزا فرج اله عبّادُف» که از عکاسان مشروطه‌خواه در خراسان محسوب می‌گردد، سال ۱۲۸۳ شمسی در کوچه سراب عکاس‌خانه داشت. وی عکاسی فعال در دوران مشروطه بوده است. سفر به تبریز و عکس‌برداری از تحولات مشروطه، تکثیر عکس مشروطه‌خواهان و اشاعه آنان در خراسان و ساخت عکس‌های ترکیبی از مراسم انقلاب مشروطه در آتلیه، از فعالیت‌های این عکاس مشروطه‌خواه می‌باشد. عکسی از وی در بایگانی «موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» موجود می‌باشد که آن را از مجاهدین محله شتریان تبریز برداشته است و بر آن متن «عکاس‌خانه میزا فرج‌اله در مشهد» با تاریخ ۱۳۲۵ قمری دیده می‌شود و هم‌چنین در آرشیو عکس‌های آستان قدس رضوی، عکس دیگری از یک مراسم موجود است که از مونتاژ دو عکس به‌وسیله ایشان به‌وجود آمده است. این عکس که در تصویرسازی در نوع خود بی‌نظیر است، به تاریخ ۱۳۲۲ قمری ساخته و پرداخته شده است و با توجه به عکس محله شتریان تبریز، می‌توان اذعان داشت که عکس‌های میرزا فرج‌اله، استادانه، قوی و





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مبتکرانه است. استاد ذکاء، احتمال داده است که وی برادر میرزا عبدالجبار عکاس باشد. هم‌چنین ایرج افشار نیز تاریخ عکاس‌خانه فرج‌اله را ۱۳۱۹ قمری می‌داند که هم‌زمان با عکاس‌خانه عبدالجبار است و احتمال برادری بودن آنان زمانی بیش‌تر می‌شود که می‌بینیم آدرس عکاس‌خانه هردو یکی و در یک کوچه بوده است.

میرزا علی‌اصغر» نیز در آغاز تحولات مشروطه، سال ۱۳۲۳ قمری در مشهد صاحب عکاس‌خانه بوده است.

اما از این یادداشت‌های ارزشمند که معدود نوشتارهای منتشره در فضای مجازی درباره تاریخ عکاسی مشهد است که بگذریم، بد نیست این جا به «حسن توکلی» و نقش او به عنوان یک عکاس آماتور و عاشق در ثبت عکس‌های اسنادی از حرم مطهر اشاره کنیم. حسن توکلی از آن دسته عکاسانی است که تکنیک و زبان بصری آثارش مستقیماً از شخصیت فردی او سرچشمه می‌گیرد. آن قدر خالص و یکدل که در مناسبات اجتماعی به حضرت رضا "ارباب" می‌گوید و اول و آخر هر سخنش پشتیبانی عاشقانه ارباب را گوشزد می‌کند و خیر و برکت زندگی و موفقیت هنری اش را فقط مدیون خواست ارباب می‌داند. برای کنکاش بیشتر و واکاوی شخصیت فردی - و لاجرم عکس‌های او - کافی است به اتاق شخصی اش برویم. ریشه‌های چراغ که تمام سقف اتاق را پوشانده اند و هر چند ثانیه رنگ عوض می‌کنند، دیوارها سبزند و صدها عکس از حرم، دیوارها را کاغذ دیواری کرده اند. او که عکاسی را در دهه ۵۰ آغاز کرده، بدون اطلاعات فنی و تکنیکی و صرفاً با آزمون و خطا به ثبت لحظه‌های حسی از زائرین پرداخته است. آثار حسن توکلی در مولفه‌های متعارف عکاسی زیارتی نمی‌گنجد و حاوی خصیصه‌های متفاوت و دیگری است.

## شخصیت‌ها

پس از عکاسی زیارتی این عکاسی هنری است که در مشهد توسعه خوبی داشته است، در این راستا باید به یک نام که پیش‌آهنگ این عکاسی است توجه کرد؛ «ساعت نیک ذات» که دوام تاثیر او طی چهار دهه فعالیت مستمر نه تنها کم نشده که زمان، مصائب شغلی و سختی‌های روزگار نیز او را هم چون خیلی از چهره‌های این هنر به انزوا و گوشه‌نشینی نکشاده است. ساعت نیک ذات که عکاسی را با دوربین پدر - دوربین آگفا شش در نه - به صورت خودآموز تجربه کرده است و متاثر از یک برنامه تلویزیونی در سال ۱۳۵۵ جعبه نوری با امکانات ساده درست می‌کند و با آن به دنیای تصویر دست می‌یابد، پس از



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

گذراندن یک دوره کوتاه آموزش فیلمسازی در موسسه ای واقع در چهارراه لشکر مشهد برای دوام فعالیت هنری خود به سراغ عکاسان دوره گرد خیابانی در میدان دروازه قوچان مشهد می رود و از آن ها داروهای مصرف شده را با قیمت بسیار پایین تهیه می کند تا در خانه بتواند به صورت تجربی به چاپ عکس مبادرت ورزد. اطلاعات او با مطالعه مجله مردمک بیشتر می شود و او که در دهه ۶۰ دوربین زنده یاد احمد خادم الحسینی را قرض می گیرد تا با آن عکاسی را بیشتر تجربه کند موفق می شود در سال ۱۳۶۳ اولین عکس فتومونتاژ با رویکرد فاین آرت را در مشهد تولید کند، عکسی که جایزه بخش تکنیک و تمهیدات عکاسی سینمای جوان را نیز به خود اختصاص می دهد. نیک ذات در مقطعی که همه چیز معطوف تکنیک عکاسی است، مساله محتوا را در آموزش های خود مطرح می کند و تدریس او از دهه ۶۰ تاکنون منجر به تربیت تعداد زیادی از هنرجویان خلاق می شود. در واقع می توان ساعد نیک ذات را اولین فردی در عکاسی مشهد دانست که نگاه هنری را به بدنه این عکاسی - آن هم در زمان جنگ و کمبود امکانات عکاسی و نبود کتاب - تزریق کرد. نگاه حمایتی او نسبت به نسل جوان باعث شد علیرغم مهاجرت خانوادگی به آمریکا به خاطر تحصیل دخترهای نوجوانش، کماکان حضوری فعال در بدنه اجرایی عکاسی در ایران داشته باشد.

آموزش عکاسی و به طور کلی نیاز به «تکنیک» در کنار نگاه محتوا نگر از همان آغاز مدیون حضور زنده یاد «احمد خادم الحسینی» است، زنده یاد خادم الحسینی عکاس اداره سمعی بصری فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان یکی از چهره های تاثیرگذار در عکاسی این خطه بود، او که با عکاسی از آثار باستانی و میراث فرهنگی اسناد متعددی را در این زمینه برای چاپ در کتب اداره ارشاد فراهم می ساخت در زمینه آموزش تکنیک عکاسی چهره ای بی بدیل بود و روی نسل جوان دوره خود تاثیرات زیادی گذاشت و اولین حضورهای بین المللی عکاسی خراسان مدیون تلاش اوست. او که کارمند تمام وقت اداره ارشاد بود هیچ گاه خلاقیت های فردی اش را در سایه الزامات کارمندی فراموش نکرد و در پنجاه سالگی طوری عکاسی می کرد، گویی یک جوان بیست ساله؛ به همان اندازه با ایده های تازه.

پس از این دو «حمید رضا گیلانی فر» اتفاق تازه ای در عکاسی مشهد بود؛ جوان دانش مندی که با خلقی گشاده و توان مدیریتی بالا توانست در دهه ۷۰ عمده فعالیت های عکاسی مشهد را تحت مدیریت کامل خود بگیرد. مهم ترین فعالیت گیلانی فر علاوه بر حوزه جدی فعالیت سینمایی او، برگزاری پنجمین جشنواره منطقه ای سینمای جوانان ایران در مشهد بود؛ جشنواره ای که با تمام جشنواره های منطقه ای سینمای جوانان متفاوت بود و در اختتامیه خود میزبان اغلب چهره های مهم سینمایی



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

و عکاسی کشور بود؛ اجرایی فراتر از انتظار. یادم است مجری مراسم جهانگیر الماسی بود، دکور و نور سینما قدس مشهد چشم گیر بود و سالن در همه طبقات و لژهای خود مملو از علاقه مندان به عکاسی و سینمای آماتوری بود، زنده یاد علی معلم یکی از چهره های حاضر در این مراسم بود در کنار بیژن امکانیان، بهرام بیضایی، رخشان بنی اعتماد، تهمنه میلانی، فرامرز قریبیان، مسعود کیمیایی و دیگران. آوازه فعالیت حمیدرضا گیلانی فر به تمام ایران رسیده بود و دیگر شهرها به حضور او در مشهد غبطه می خوردند، او که نزد ساعد نیک ذات، مهدی بمانی و زنده یاد خادم الحسینی عکاسی را آموخته بود، در آن مقطع معاون انجمن سینمای جوانان نیز بود و به صورت تمام وقت، خود را وقف اعتلای عکاسی مشهد کرد، تا دیرنگام در دفتر انجمن می ماند و در خانه اش به روی همه هنرجویان باز بود. از او عکس های خوبی نیز به خاطر دارم، برای من که در آن زمان کمتر از ۲۰ سال سن داشتم تماشای عکس های چاپ شده او که با سرعت شاتر پایین و فیلترهای رنگی از صحن های حرم مطهر رضوی ثبت کرده بود، حیرت انگیز بود. حمیدرضا مغازه ای سه در چهار متری مجاورت منزل مادری و در نقطه ای مناسب از جهت تجاری در مشهد داشت که ترجیح داد به جای بهره برداری اقتصادی، آن را به پاتوقی برای جمع شدن بچه های عکاس بکند. این بود که در سال های پایانی دهه ۷۰، رهگذران با تعجب فراوان، مغازه ای را در چهارراه پل خاکی مشهد می دیدند که داخل آن تا سقف عکس چیده شده بود و دیوارها مزین به عکس های عکاسان ایران و جهان بود و کتاب های عکاسی روی میز آن جهت تورق (و نه فروش) ارائه می شد. این مغازه همان بانک اطلاعاتی عکاسان خراسان بود که حمیدرضا به کمک «ابراهیم بهرامی» آن را سامان بخشید. در تاسیس و تشکیل بانک اطلاعاتی عکاسان خراسان باید به تلاش های نسرین شاه محمدی و تقی بخشی راد اشاره کرد، این بانک اطلاعاتی به دلیل فعالیت رسمی و گسترده اش، در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت دارای دفتری مستقل بود. ابراهیم بهرامی طی چند دهه با تمرکز بر کار پژوهشی و حضور فعال در داوری جشنواره ها از چهره های تاثیرگذار در عکاسی مشهد است. تاسیس موسسه پژوهشی «آبگینه» و مشارکت در کنفرانس های بین المللی از مهم ترین دستاوردهای ابراهیم بهرامی است، او هم چنین به عنوان داور فیآپ، در اغلب دوره های جشنواره بین المللی عکس «خیام» حضوری موثر داشته است و جز این، معلمی ارزشمند است.

اما نمی توان از گسترش عکاسی در مشهد سخن گفت و نقش سیده نسرین شاه محمدی را نادیده گرفت، او چه در کسوت مسوول انجمن سینمای جوانان مشهد، چه در کسوت یک معلم و مدیر موفق اجرایی عکاسی در مشهد بر گردن این شهر حق ها دارد. او علاوه بر دریافت ده ها جایزه داخلی و خارجی، عضو هیات مدیره اغلب تشکل های عکاسی در مشهد، عضو هیات



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مدیره کانون هنرمندان خراسان و عضو علی البدل هیات مدیره بانک اطلاعاتی عکاسان در چند دهه اخیر بوده است و نمایشگاه های مختلف عکاسی را در داخل و خارج ایران، کیوریتوری کرده است. راه اندازی کانون عکس انجمن سینمای جوانان مشهد و برگزاری بیش از دویست کارگاه عکاسی و سیصد اردوی عکاسی از جمله اهتمام های سیده نسرین شاه محمدی است. جعفر جراح نجفی از سال ۱۳۵۴ تاکنون تلاش مستمری در عکاسی این شهر داشته است، او که در دهه ۱۳۶۰ دبیر اولین جشنواره عکس ورزشی بانوان کشورهای اسلامی بود، فعالیت خود را در کسوت مدیر عامل سومین دوره انجمن عکاسان خراسان و مسوول دبیرخانه جشنواره امام رضا در مشهد (۱۳۹۸) ادامه می دهد.

سید جلیل حسینی زهرایی در سال ۱۳۷۵ برای مهاجرین عراقی کلاس عکاسی در حوزه هنری برگزار کرد و سپس به عنوان مدرس عکاسی در شهرستان های استان و تقاط دورافتاده فعالیت کرد..

محسن حاجی عباسی که عکاسی را در کلاس های عکاسی هلال احمر فرا گرفته بود، در شاخه عکاسی مستند اجتماعی در انجمن سینمای جوانان مشهد در دهه ۱۳۶۰ فعالیت خوبی را پیش گرفت. رفتار و منش محسن سال ها جلوتر از سنش اش بود؛ انسانی به شدت کم حرف و درون گرا، مطالعه زیاد در قلم و نوشتار وی بسیار تاثیر گذار بود. محسن حاجی عباسی در در ۱۸ دی ماه ۱۳۷۲ در حالی که دوران سربازی را سپری می کرد در حین ماموریت در حالی که حتی در آخرین لحظه زندگی اش نیز دنیا را از ویزور دوربین نظاره گر بود، در اثر برخورد ملخ بالگرد به سرش به شهادت رسید.

محمد محمدزاده تیتکانلو جوان پر اطلاعات و خلاق مشهدی با احیای شیوه عکاسی داگرتوتیپ به صورت علمی و حرفه ای، نمایشگاه ها و کارگاه های آموزشی متعددی در این زمینه برگزار کرده است و داگرتوتیپ های او در موزه ملی عکس ایران نیز موجود است. او صاحب مقاله های متعدد پژوهشی در حوزه عکاسی و چند کتاب است.

اهتمام به عکاسی صحنه پردازی شده توسط مهدیا مصباحی در دو دهه اخیر علاوه بر کارهای خوب او در حوزه عکاسی تاتر از جمله فعالیت های دیگر در مشهد است. هم چنان که عکاس صاحب سبکی چون گوهر دشتی مجموعه های متعددی را در مشهد تولید کرده؛ مجموعه هایی که آوازه جهانی دارند، گوهر دشتی به صورت محدود در زمینه آموزش عکاسی نیز در مشهد در دهه ۸۰ فعالیت کرده است و کارگاه های متعددی در گالری آرتین و موسسه سروش مشهد در حوزه عکاسی معاصر برگزار کرد، دشتی عکاسی صاحب سبک و متفکر در حوزه عکاسی فاین آرت است.





# نقش خراساد شکوفان معماری ایرانی اسلامی

مرتضی لطفی، امیرحسین صفرلی، عباس اشرفی چهل حجره، مسعود بدیعی فرجام، فرامرز عامل بردبار، مجید بندار مقدم، قدیر وقاری شورجه، باقر رجیبیان، محمد ابراهیم صافی، مهدی یاورمنش، نوشین وفادار، نسرین شاه محمدی، کاظم حسینی، ساسان فهیمی، مسعود توجهی، علی کریمی رستگار، زنده یاد مجید رضا بوستانچی و... از مهم ترین نام های دهه ۶۰ و ۷۰ اند که هر یک در نحله مورد علاقه خود تلاش های موثر (و مستمری) داشته اند. هم چنین باید به «هاشم عطار» به عنوان چهره ای که خود را از سطح یک عکاس آماتور به حرفه ای ترین نقطه ممکن در بدنه سینمای حرفه ای ایران رساند، اشاره کرد. در زمینه عکاسی خبری نیز باید به تلاش های موثر هاشم ظریف (در سال های دور)، محمد چرمساز، سید محمد امامی، مسعود نوذری، فرامرز عامل بردبار، احمد معینی جم، امین خسروشاهی، علیرضا عطاریانی، احمد فیاض، محمد زائرنیا، محسن اسماعیل زاده، سید جلیل حسینی زهرایی، حسین کامشاد، وحید بیات، ایمان جنتی، امیرحسین حسین زاده، میثم دهقانی، صادق ذباح، علی کریمی رستگار، محمد جواد مشهدی و... در دهه اخیر اشاره کرد.

در حوزه عکاسی میراث فرهنگی باید به تلاش های حمید هاشمی پور، سیامک ایمان پور، محمد رضا پهلوان و... اشاره کرد. از دیگر چهره های تاثیر گذار باید به موسس اولین نگارخانه سه بعدی ایران در مشهد توسط محمدرضا شاه پسند اشاره کرد که با تهیه صدها سند تصویری سه بعدی از اماکن مشهد به صورت آنالوگ، نمایشگاه ها و کارگاه های متعددی در این زمینه برپا کرده است.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## آموزش

انجمن سینمای جوانان مشهد که به عنوان واحدی از انجمن سینمای جوانان ایران، دفتر مرکزی تهران فعالیت می کند با گذر از دیدگاه های مدیریتی مختلف از حسین باغیاری، تا جواد علیزاده و نسرين شاه محمدی آوردگاه ظهور عکاسان متعددی بود که در دهه ۶۰ و ۷۰ ضمن کسب موفقیت های متعدد، چهره جدیدی از عکاسی مشهد را ترسیم کردند. این انجمن که قبل تر با نام سینمای آزاد فعالیت می کرد در اولین دوره خود در سال ۱۳۶۳ پذیرای هنرجویانی چون: شهید ابراهیم اصغرزاده، ابراهیم بهرامی و... بود؛ اشخاصی که بعد ها به یکی از پایه های عکاسی خراسان بدل شدند. در سال ۱۳۷۳ نخستین آموزشگاه آزاد سینمایی و عکاسی خراسان توسط «رضا دیده بان» شکل گرفت و در خردادماه ۱۳۷۴ اولین دوره جذب هنرجو را آغاز کرد. در آن دوران اجازه رسمی برای فعالیت هنری خصوصا در بعد آموزش با حضور اساتید ملی از سایر شهرهای ایران با حساسیت صادر می شد، بنا بر این آن چه در آن زمان شکل گرفت چیدمان تجربیاتی بود که امروز در چارچوبی مدون درآمده است. اسعد نقی بندی در آن سال ها برای اولین بار توسط مجموعه مدیریتی رضا دیده بان به مشهد دعوت شد تا به عنوان مدرس عکاسی در خدمت هنرجویان این شهر باشد. از دیگر دستاوردهای رضا دیده بان تحلیل اولین نرم افزار آموزشی دانشگاه جامع علمی، کاربردی مشهد بود که متناسب با رشته عکاسی و فیلمسازی ارائه شد. هم اکنون آموزشگاه های: موج نو، فرهنگ تصویر، جهاد دانشگاهی، سروش، آبرنگ، رسانه، سیما و کانون گسترش عکاسی در زمره فعال ترین آموزشگاه های عکاسی مشهد هستند. در حوزه آموزش عکاسی به کودکان و نوجوانان خانم ها نوشین وفادار و شادی آفرین آرش دو چهره ممتاز و تاثیرگذار در این زمینه اند. هم چنین باید به تلاش ها و تاثیرات مجید سیف العلمایی در تاسیس شبکه مجازی «آگاه فیلم» در دهه های قبل اشاره کرد، استاد برجسته ای که هم اکنون نیز با تولید محتوا در فضای مجازی مشغول توسعه علم عکاسی و فیلمسازی میان علاقه مندان در مشهد است.

سال های پایانی دهه هشتاد اوج دوران تاسیس دانشکده های غیرانتفاعی هنری در مشهد است که عمدتاً در رشته ارتباط تصویری، و گاهی نیز در پودمان های عکاسی و یا رشته عکاسی خبری اقدام به پذیرش دانشجو کرده اند، تعدد و پراکندگی این دانشگاه ها در سطح شهر مشهد قابل توجه است. این موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی عبارتند از: فردوس، اقبال لاهوری، خاوران، تابران، شاندیز، کاویان، خبرنگاران، الزهرا، حکیم طوس، جهاد دانشگاهی و مرکز علمی کاربردی فرهنگ و هنر.



# نقش خراساد شکوفان معماری ایرانی اسلامی

مقطع کارشناسی ارشد عکاسی برای نخستین بار در مشهد، در سال ۱۳۹۸ به همت دکتر حمیدرضا میرزایی در موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری راه اندازی شد.

مدرسینی چون: شهریار رضایی (در سال های دور انجمن سینمای جوانان)، نعمت محمدیان روشن، محمدرضا چایفروش، امیر حسین صفرلی، امیرحجت صفرلی، حمیدرضا گیلانی فر، نوشین وفادار، ابراهیم بهرامی، مهدی زابل عباسی، مهدی فاضل، مسعود توجهی، مرتضی لطفی، مجید سیف العلمایی، سحر سقا، فرامرز عامل بردبار، مجید شقایب فلاح، مهدی عقیقی، سید علی حسینیان نسب، مهدی رضوی، امیر حاجی عباسی، مهدی پیرسلامی، موسی حاجی نژاد، علی مقدسی، فرشید مینویی، رسول امین، مهدی محرمی، سید جلیل حسینی زهرایی، شادی آفرین آرش، شرمین نصیری، امین ابراهیمی، هما نجاریان، میثم سیامکی، نسرین شاه محمدی، مسعود ثابت زاده، عارف جلایری، یوسف قارونی، حمید سلطان آبادیان، علیرضا رفائی، علی جعفری، فاطمه مردانی و میترا حیدرزاده از جمله مدرسین فعال عکاسی در دو دهه اخیر در موسسات آموزشی مشهد بوده اند. هم چنان که الهه عبدالله آبادی، محمد زرقی و مژگان خادمی راد با کسب تحصیلات دانشگاهی در دهه اخیر در دیگر شهرهای استان به تدریس دانشگاه های هنر مشغول اند. امیر حجت صفرلی سال ها به عنوان مشاور فنی در لابراتوار آبرنگ به تقسیم آموزه های خود با مشتریان این لابراتوار می پرداخت و اکنون نیز به همت خود موسسه آموزشی فرهنگ تصویر را تاسیس کرده است.

محمد ستاری که در مشهد فعالیت علمی و هنری خود را در دهه های ۵۰ و ۶۰ آغاز کرده است اکنون به عنوان استاد تمام عکاسی در دانشکده هنرهای تجسمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول به کار است و در این سال ها ارتباط مداومی با عکاسان جوان مشهدی داشته است.

در نظام آموزش و پرورش نیز نخستین دبیران درس عکاسی شامل: مرتضی لطفی، ابوطالب عندلیبیان و یوسف سملقانی از دهه ۱۳۶۰ مشغول به فعالیت موثر بوده اند.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

عماد عصار نخستین نشریه مصور عکاسی را در مشهد راه انداخت. اما در زمینه پژوهشی علاوه بر حضور چند مولف و مترجم در مشهد که همه گی دارای چند کتاب در حوزه نظری عکاسی هستند از جمله هاشم جواد زاده (دهه ۶۰ تا ۹۰)، محمد ستاری (دهه ۶۰)، محمد رضا لطفی (دهه ۶۰ تا ۹۰)، نسرین ترابی (دهه ۸۰ و اکنون نیز به عنوان پژوهشگری فعال در مشهد)، سیامک ایمان پور (دهه ۷۰ تا ۹۰)، محمد محمد زاده تیتکانلو (دهه ۸۰ و ۹۰)، مهدی فاضل (دهه ۹۰) و این حقیر (دهه ۸۰ و ۹۰)، موسسه تحقیقات و مطالعات عکاسی «آبگینه» نیز در سال ۱۳۸۰ و با هدف پژوهش و تحقیقات در زمینه هنر عکاسی تاسیس شد تا همراه با دستاوردهای علمی روز جهان، فعالیت های هنری عکاسی در استان خراسان را هدفمند کند، بدین منظور عده ای عکاس علاقمند در این مجموعه شروع به فعالیت کردند تا نتایج این مطالعات و پژوهش ها را در قالب مقالات، طرح درس ها و کتاب های تخصصی در اختیار مراکز آموزشی، دانشگاهی و انجمن های فعال عکاسی قرار دهند. این موسسه به مدیریت «ابراهیم بهرامی» از پیش کسوتان عکاسی خراسان هم اکنون نمایندگی رسمی موسسه یورو فتو آرت و انجمن همکاران آمریکا را نیز بر عهده دارد.

موسسه آگاه فیلم به مدیریت مجید سیف العلمایی نیز به توسعه عکاسی در دهه های قبل در مشهد کمک شایانی کرد، مجید سیف العلمایی اکنون نیز با تولید محتوا در فضای مجازی مشغول فعالیت در این حوزه است.

انتشار یک مجله ورزشی در دهه ۱۳۶۰ به همت جعفر جراح نجفی که در آن عکس هایی از مراسم ورزشی منتشر می شد، از دیگر فعالیت های حوزه نشر در مشهد است.

گذشته از آن انتشار کتاب های نفیس عکس توسط نماینده فیاپ در ایران، آقای علی سامعی عکاس پر تلاش نیشابوری به معرفی توانمندی های این استان در سطح بین المللی کمک شایان کرده است.

همچنین کتاب های عکس به گردآوری ساعد نیک ذات، نوشین وفادار، مهدی زابل عباسی، امید سریری، مجید شقایب فلاح و مهدی رضوی در قالب کیوریتوری نمایشگاه های متعدد در دهه اخیر در مشهد منتشر شده است. در زمینه عکس نوشت نیز چهار کتاب «موریانه ها عجیب رشد کرده اند» توسط محبت محبی، «به وقت پر زدن» توسط حمید سبحانی، «وهم کومه» توسط سید علی حسینیان نسب و نوشتار متانت محبی به چاپ رسیده اند. کتاب عکس اطلس مسلمانی توسط مهدی گل محمدی از دیگر فعالیت های نشر در این شهر است.





# نقد خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

در ابتدای دهه ۸۰ لائبراتور «آبرنگ» در مشهد فصلنامه عکاسی را منتشر کرد. فصلنامه ای در شمارگان پانزده هزار نسخه که در داخل پاکت عکس تمام مشتریان آبرنگ در طول فصل قرار می گرفت و به فرهنگ سازی بصری و مطالعه دانش عکاسی نزد مخاطبان عام کمک می کرد. هم چنین ماهنامه بین المللی هنر به سردبیری علی جعفری در اواخر دهه ۸۰ در چند شماره محدود به عکاسی پرداخت. به جز این باید به انتشار مجله فرهنگی، هنری بارثاوا اشاره کرد که دبیری بخش عکس آن بر عهده جعفر جراح نجفی است.

## نتیجه گیری

عکس های زیارتی به عنوان کالایی نفیس، رابط و واسط فرهنگی میان اقوام و مردم بودند، این کالای نفیس معمولا به عنوان عنصری مهم و ضروری در سفر مردم از جای جای ایران به مشهد شناخته می شد، به گونه ای که در کنار دیگر سوغات مشهد، این عکس ها نیز جایگاه ویژه ای داشت. تولید این عکس ها در مشهد باعث شد زیبایی شناسی خاصی در کل جغرافیای ایران در حوزه عکس های یادگاری توسعه یابد، به گونه ای که برخی با الگو برداری از این سنت، اقدام به شبیه سازی این عکاسی کردند. تحولات تکنیکی رفته رفته سرنوشت این عکس ها را تغییر داد و زمینه های توسعه آن را بیش از پیش فراهم ساخت. این مهم در کنار ظهور مدرسین جوان در مشهد، توجه به پژوهش و نشر، انتشار کتب عکاسی و ظهور شخصیت های تاثیرگذار هنری باعث شد میراث حرم رضوی در عکاسی خراسان متجلی شود.

دیگر نکته برآمده از این تحقیق این بود که توسعه تکنیک و علم در کنار سنت موروثی عکاسی زیارتی در مشهد موجب چرخشی زیبایی شناسانه از عکاسی مستندگرای صرف به عکاسی هنری و ذهنی گرایی شد.

## منابع:

- عکاسخانه ایام/ تالیف نسرین ترابی/ انتشارات کلههر، ۱۳۸۳

- پرتال جامع آستان قدس رضوی



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- زوایای پنهان تاریخ عکاسی مشهد / یادداشت / تالیف غلامرضا آذری خاکستر / روزنامه خراسان، شماره ۱۹۱۹۲۵

- سیری در تاریخ عکاسی مشهد / یادداشت / تالیف محمد محمد زاده تیتکانلو / وبسایت تاتر آنلاین